



شکل‌های فروپاشی ساخت ارگتیو در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی*

جهاندوست سبزی‌علیپور^۱

چکیده

زبان‌های دنیا برای نشان دادن روابط دستوری در جمله از شیوه‌های توالی، مطابقه، و حالت‌نمایی استفاده می‌کنند. نظام حالت‌نمایی خود به چند شیوه تقسیم شده است که یکی از آنها کُنایی-مطلق یا ارگتیو است. ارگتیو حالتی است نحوی مربوط به فاعل فعل‌های متعدی که در آن، عامل به شکل غیرفاعلی و مفعول به شکل فاعلی ظاهر می‌شود. سه زبان تاتی، تالشی و گیلکی از گروه زبان‌ها و گویش‌های حاشیه خزر هستند که امروزه بسیاری از مردم ایران و خارج از ایران به این زبان‌ها تکلم می‌کنند. در اغلب گونه‌های دو زبان تاتی و تالشی، ساخت ارگتیو رعایت می‌شود، اما در زبان گیلکی از بین رفته، و فقط رسوباتی از آن باقی مانده است. هدف این مقاله نشان دادن رسوبات و شکل‌های فروپاشی ساخت ارگتیو در زبان‌های ذکر شده است. منظور از رسوبات ویژگی‌هایی است که از شکل اصلی این ساخت باقی مانده است. برای این منظور، ضمن شناسایی شکل‌های مختلف فروپاشی، شواهدی از گونه‌های مختلف ذکر شده است. داده‌های این تحقیق، علاوه بر روش میدانی، به صورت کتابخانه‌ای نیز انتخاب و جمع‌آوری شده است. مطابق این تحقیق نحوه فروپاشی این ساختار را چنین می‌توان بیان کرد که پی‌بست‌ها از جایگاه دوم خارج شده‌اند، و به سوی فعل در حال حرکتند؛ تطابق فعل با مفعول در شمار و شخص، و تمایز حالت فاعلی و غیرفاعلی اسم‌ها در حال از بین رفتن هستند؛ نحوه استفاده از ضمیر اول شخص مفرد man/az در بسیاری از گونه‌ها نابسامان شده است.

کلیدواژه‌ها: ارگتیو، حالت‌نمایی، زبان تاتی، زبان تالشی، زبان گیلکی، فروپاشی ارگتیو

۱. مقدمه*

ارگتیو حالتی است نحوی مربوط به فاعل فعل‌های متعدی. در این ساخت، عامل (فاعل منطقی) به شکل غیرفاعلی و مفعول به شکل فاعلی ظاهر می‌شود و در نوع کامل آن فعل از نظر شخص (اول، دوم و سوم شخص)، شمار (مفرد و جمع) و جنس (مذکر و مؤنث) با مفعول که در واقع همان فاعل دستوری است، مطابقت می‌کند. (dixon, 1994: 1).

سه گویش تاتی، تالشی و گیلکی را در دسته‌بندی زبانی، زبان‌های شمال غربی و گاه «گویش‌های حاشیه‌ی خزر» نیز نامیده‌اند. ویلهلم گیگر و کوهن آلمانی در کتاب «بنیاد زبان‌شناسی ایرانی»، بار اول در سال ۱۹۰۴ میلادی سه گویش فوق را در شمار زبان‌های کاسپی طبقه‌بندی کرده‌اند. این اصطلاح بعدها به «زبان‌های دریای خزر»^۱ برگردانده شد (مدنی، ۱۳۶۹: ۳۴۰). آرانسکی به نقل از گیگر این اصطلاح را برای سه گویش فوق به کار برده است (آرانسکی، ۱۳۷۹: ۳۱۷). لُکوک در راهنمای زبان‌های ایرانی (۱۳۸۳: ۴۸۹) و یارشاطر در زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی (۱۳۳۶: ۳۵) از این سنت پیروی کرده‌اند. زبان‌های این حوزه به انواع دیگری نیز طبقه‌بندی شده‌اند.

هدف این مقاله نشان دادن شکل‌های فروپاشی ساخت ارگتیو در زبان‌های ذکر شده است. منظور از بقایا و یا رسوبات، آن ویژگی‌هایی است که از شکل اصلی این ساخت نحوی باقی مانده؛ و به شکل‌های مختلف درآمده‌اند. به عبارت دیگر، هدف شناسایی شکل فرسایش ارگتیو در این زبان‌هاست.

این مقاله در چند بخش تنظیم شده است: بعد از مقدمه و پیشینه بحث، بخشی به ساخت ارگتیو به طور کلی پرداخته است؛ در بخشی دیگر از مقاله، به ویژگی‌های این ساخت در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی اشاره شده؛ و در بخش بعدی، رسوبات ارگتیو و نحوه فروپاشی آن آمده است؛ در بخش نتیجه نیز جمع‌بندی مطالب ذکر شده است. برای این تحقیق، ضمن شناسایی شکل‌های مختلف فروپاشی، شواهدی از گونه‌های مختلف ذکر شده است. علاوه بر روش میدانی، نمونه‌های داده‌های زبانی این تحقیق اغلب از دو مقاله رضایتی کیشه‌خاله (۱۳۸۴) و رضایتی کیشه‌خاله—سبزعلیپور (۱۳۸۶) انتخاب شده است، که اولی به ارگتیو در تالشی و دومی به ارگتیو در تاتی خلخال پرداخته است.

* در این مقاله، علامت‌های اختصاری زیر استفاده شده است:

Nom: nominative, Obl: ablative, Acc: accusative, Abs: absolutive, Dat: dative, Erg: ergative, Dir: direct, Pst: past, Fut: future, Pl: plural, Fem: feminine, Masc: masculine, Sg: singular, Clt: clitic.

۱. گویا این اصطلاح برای اولین بار از همین جا وارد زبان‌شناسی شده است (برای نقد آن نک. مدنی: ۱۳۶۹: ۳۴۰).

گرچه شکل اصلی ساخت ارگتیو در گیلکی از بین رفته است، اما رسوبات و بقایای آن در گیلکی هنوز وجود دارد و علت انتخاب گیلکی نیز بررسی همین بقایاست. بدین خاطر، شواهد و مثال‌های گیلکی بررسی شده در این مقاله کمتر از دو زبان دیگر است.

۲. ساخت ارگتیو

زبان‌های دنیا برای نشان‌دادن روابط دستوری بین موضوع‌های فعل در جمله، از سه شیوه استفاده می‌کنند؛ یعنی سه راه وجود دارد که زبانی نشان دهد کدام اسم درون جمله فاعل؛ کدام مفعول مستقیم؛ و کدام مفعول غیرمستقیم و... است. این سه شیوه شامل توالی واژه‌ها، مطابقت و حالت‌نمایی است.

در برخی زبان‌ها، توالی واژه‌ها درون جمله مشخص می‌سازد که آن موضوع فاعل یا مفعول جمله است. زبان انگلیسی از این شیوه برای نشان‌دادن فاعل و مفعول بهره می‌برد. به عنوان مثال: They adore syntax (آنها عاشق نحو هستند)؛ یعنی از مدل توالی SVO برخوردار است و این به این معنی نیست که انگلیسی یا هر زبان دیگر الزاماً از یک مدل توالی برخوردار است (Tallerman, 2011: 172). اگر در جمله فعل را هسته و موضوع‌ها را وابسته بدانیم، زبان‌ها می‌توانند هسته یا وابسته‌ها را نشان‌دار کنند. زبان‌هایی که هسته را نشان‌دار می‌کنند، از نظام مطابقت استفاده می‌کنند. در شیوه حالت‌نمایی، گروه‌های اسمی خود به طریقی نشان‌دار می‌شوند و آن نشانه می‌تواند فاعل یا مفعول بودن آن‌ها را نشان دهد. در این زبان‌ها، وابسته‌های فعل نشان‌دار می‌شوند و هسته بدون نشانه باقی می‌ماند.

از بین روش‌های فوق، نظام حالت‌نمایی خود به چند شیوه تقسیم شده است (Comrie, 1978: 332, Dabir- moghaddam, 2012: 33):

- ۱- زبان‌های فاعلی- مفعولی^۱: در این زبان‌ها، فاعل جمله لازم و فاعل جمله متعدی یکسان و متفاوت از مفعول جمله متعدی نشانه می‌گیرند.
- ۲- زبان‌های خنثی^۲: این زبان‌ها، فاعل جمله لازم، فاعل جمله متعدی و مفعول جمله متعدی را به یک صورت نشان‌دار می‌کنند.
- ۳- زبان‌های کنایی- مطلق^۳: در این زبان‌ها، فاعل جمله لازم و مفعول جمله متعدی یکسان، و متفاوت با فاعل جمله متعدی نشانه می‌گیرند.

1. nominative-accusative

2. neutral

3. ergative-absolutive

۴- زبان‌های شبه‌خنثی^۱: در زبان‌های شبه‌خنثی، فاعل جمله متعدی و مفعول جمله متعدی یکسان و متفاوت با فاعل جمله لازم نشانه می‌گیرند.

۵- زبان‌های سه‌گانه^۲: این زبان‌ها برای هر یک از موضوعات اصلی (فاعل جمله لازم، فاعل جمله متعدی و مفعول جمله متعدی) نشانه‌ای مجزا دارند.

از بین حالت‌های فوق، کنایی مطلق یا ارگتیو در این مقاله مورد نظر است. به کنایی- مطلق یا کنایی، ارگتیو هم گفته‌اند، گرچه قبلاً ایران‌شناسان و زبان‌شناسان آن را با نام‌های دیگری می‌آورده‌اند. مثلاً یارشاطر آن را تحت‌عنوان passive construction یا ساخت مجهول هم آورده است (Yarshater, 1969: 235)، «گاهی آن را ساختمان عامل‌دار^۳ یا مجهول نیز نامیده‌اند (آموزگار، ۱۳۸۲: ۷۶). تفضلی معتقد است: «در زبان فارسی میانه، پارتی و بسیاری از گویش‌های ایرانی [برای افعال متعدی ساختمان جداگانه‌ای وجود دارد. این گونه افعال در زمان ماضی همیشه ساختمان مجهول دارند؛ به این معنی که مفهوم «خوردم» در حقیقت با «به وسیله من خورده شد» بیان می‌شود» (رواقی، ۱۳۴۸: ۳۹۲). گویا دلیل نامگذاری مجهول این است که چون صفت مفعولی در ساخت فعل ماضی به کار می‌رفته، و مثلاً «کرده‌شده» آمده، آن را مجهول نامیده‌اند (مثال از کنت 1953: 117):

(۱) این است کرده شده من. (DBI- 27): ima taya manâ kartam. (1)

۳. پیشینه بحث

درباره ارگتیو به طور کلی و نیز ارگتیو در زبان‌های ایرانی، تحقیقات قابل ملاحظه‌ای انجام گرفته است، از جمله: باینن^۴ (۱۹۷۹)، دیکسون^۵ (۱۹۹۴)، کلباسی (۱۳۶۷) و دانش‌پژوه (۱۳۸۵). درباره ارگتیو در زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی (در این مقاله تاتی، تالشی، و گیلکی) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در زمینه ارگتیو در گیلکی، پژوهشی انجام نگرفته است؛ چرا که در آن ساخت ارگتیو به چشم نمی‌خورد. درباره ارگتیو در زبان تالشی مقاله‌ای به همین نام از رضایتی کیشه‌خاله (۱۳۸۴) وجود دارد. درباره ارگتیو در تاتی خلخال مقاله‌ای از رضایتی کیشه‌خاله و سبزه‌علیپور (۱۳۸۶) موجود است. راسخ مهند در مقاله «نگاهی

1. quasi-neutral

2. tripartite

3. agential

4. Baynon

5. Dixon

رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی» (۱۳۸۸) به بعضی از ویژگی‌های این ساخت در تاتی جنوبی اشاره کرده است. سبزه‌علیپور (۱۳۹۱) به این ساخت در تاتی و تالشی به اجمال اشاره کرده است.

۴. ویژگی‌های ساخت ارگتیو در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی

برای آشنایی با بقایای ساخت ارگتیو در زبان‌های فوق، نخست لازم است ساخت ارگتیو در این زبان‌ها معرفی شود. بدین منظور، در ابتدا مختصراً این ساخت در زبان‌های مورد نظر معرفی می‌شود. از ویژگی‌های ساخت ارگتیو در زبان‌های فوق این است که وقتی فعل جمله ماضی و متعدی باشد:

۱-۴ فاعل جمله حالت غیرفاعلی می‌گیرد:

(2) *Amad-ə* hasan-əš bə-za.

Ahmad-Erg Hasan:Abs-Clt3sg hit:pst

(۲) احمد حسن را زد (تاتی دروی).

۲-۴ مفعول جمله به شکل فاعلی ظاهر می‌شود:

(3) *ženi-i* ləs bard-əša čayi-râ.

woman-Erg wood:Abs carry:Pst-Clt3sg him-for

(۳) زن چوب برای او برد (تالشی مرکزی).

۳-۴ فعل از نظر شخص و شمار با مفعول مطابقت می‌کند:

(4) *zeynab-ə* âmâ bində-mân.

Zeynab-Erg 1pl:Abs see:Pst-1pl

(۴) زینب ما را دید (تاتی لردی).

(5) *ayi* ayeš vind-ina.
3sg:Erg 3pl see:Pst-3pl

(۵) او آنها را دید (تالشی مرکزی).

۴-۴ فعل از نظر جنس دستوری با مفعول مطابقت می‌کند:

(6) *asb-ân* liv-a bəxard-â.
horse-pl:Erg leaf-Fem:Abs eat:Pst-3sg:Fem

(۶) اسب‌ها برگ درخت را خوردند (تاتی کجلی).

(7) *man* kabutar-əm-a bəkušt-â.
1sg:Erg pigeon-Clt:Abs-Fem kill:Pst.-Fem

(۷) من کبوتر را کشتم (تاتی کجلی).

وقتی ضمایر پی‌بستی و نشانه مؤنث با هم بیایند، نشانه‌های مؤنث بعد از ضمایر پی‌بستی ظاهر می‌شوند:

(۸) jirand-əməñ-â. (۸) انداختیمش (او را = مؤنث) (تاتی کرنقی).

drop:Pst-1Pl-3sgFem

(9) man kabutar-əm-a bəkušt-â.

1sg:Erg pigen:Abs-Clt.-Fem kill:Pst.-Fem

(۹) من کبوتر را کشتم (تاتی کجلی).

۵-۴ ضمائر، به ویژه ضمیر اول شخص مفرد، دو شکل فاعلی و غیرفاعلی خود را حفظ کرده‌اند:

(10) man ča-na bāt.

1sg:Erg 3sg-to tell:Pst

(۱۰) من به او گفتم (تاتی دروی).

(11) mən a-m vinda.

1sg:Erg 3sg:Abs-Clt:1sg see:Pst

(۱۱) من او را دیدم (تالشی مرکزی).

۶-۴ ضمائر متصلی که در این زبان‌ها به عنوان ضمائر ارگتیو و یا ضمائر پی‌بستی ظاهر می‌شوند،

نشان‌دهنده فاعل متعدی بودن مرجع‌شان در زمان گذشته هستند:

(12) [Hasan] avân-əš bārd.

[Hasan] 3pl-Clt:3sg bring:Pst

(۱۲) [حسن] آنها را آورد (تاتی دروی).

در این جمله، ضمیر əš- نشان می‌دهد که مرجعش (در اینجا فرضاً حسن) فاعل است.

۷-۴ ضمائر متصلی که در این زبان‌ها به عنوان ضمائر ارگتیو و یا ضمائر پی‌بستی ظاهر می‌شوند، اغلب

در جایگاه واکرناگل یا جایگاه دوم قرار دارند:

(13) av-əš raz-da bard ka.

3sg:Abs-Clt:3sg garden-from bring:Pst home

(۱۳) او را از باغ آورد خانه (تاتی دروی).

(14) kattâ-šun əkâyat karda.

governer-Clt:3pl complain do:Pst

(۱۴) [به] کدخدا شکایت کردند (تالشی).

۸-۴ در تاتی و تالشی، ضمائر پی‌بستی هیچ وقت در نقش مفعولی ظاهر نمی‌شوند، بلکه فقط در نقش

فاعلی و اضافی هستند و این حالت با ارگتیو در زبان تاتی سایر مناطق فرق دارد. یارشاطر (۱۹۶۹: ۱۵۴) و به

تبع ایشان، راسخ مه‌ند (۱۳۸۶: ۶) متذکر شدند که در آن نواحی این ضمائر در نقش فاعل فعل‌های ماضی متعدی، نشانهٔ مفعول مستقیم، و نشانهٔ نقش اضافی ظاهر می‌شوند.

گاهی نیز این ضمائر در جایگاه بعد از دوم قرار می‌گیرند؛ یعنی به نوعی از جایگاه واکرناگل خارج می‌شوند:

(15) zir avə-šân pegat, bəvard.
Yesterday 3sg-Clt:3pl get:Pst take:Pst

(۱۵) دیروز آن را برداشتند، بردند (تاتی دروی).

(16) man a-m vinda.
1sg:Erg 3sg-Clt:1Sg see:Pst

(۱۶) من او را دیدم (تالشی مرکزی).

(17) hasan-ə avân-əš bəvard ka.
Hasan-Erg 3pl-Clt:3sg take:Pst home

(۱۷) حسن آنها را برد خانه (تاتی دروی).

به نظر می‌رسد در زبان‌های ایرانی از آغاز چنین حالتی وجود داشته است. راسخ مه‌ند (۱۳۸۸: ۷) هنگام بررسی پی‌بست‌های ضمیری تاتی جنوبی نوشته است: «وقتی گروه اسمی هم‌مرجع با پی‌بست در ابتدای جملاتی که نقش مبتدا دارند، بیاید، پی‌بست به سازهٔ بعد از آن منتقل می‌شود». در این باره باید گفت که همانند موارد بالا، نمونه‌هایی در تالشی و تاتی یافت می‌شوند که نه مبتدا و نه اسم هم‌مرجع با پی‌بست هستند و همچنان که راسخ مه‌ند اشاره کرده‌اند، در فارسی باستان نیز از این نمونه‌ها یافت شده است (مثال از kent. 1952:143-144):

(18) DSf,32: kāra hya âœuriya, hau-**dim** abara yātā bābirauv.

مردم آشور، او، این را به بابل آورد.

نتیجه‌ای که تا بدین جا می‌توان گرفت این است که از بین زبان‌های مورد مطالعه، چهارگونه‌ی تاتی (لردی، کجلی، کرنقی و کرینی) همهٔ این هفت ویژگی را به درستی حفظ کرده‌اند. بسیاری از گونه‌های تاتی و تالشی غیر از ویژگی چهارم (تمایز جنس مؤنث)، بقیهٔ ویژگی‌ها را حفظ کرده‌اند. تفاوت عمدهٔ تاتی و تالشی در این بخش، فقط ویژگی چهارم است.

بنا به آنچه گذشت، در زبان‌های یاد شده، بهترین حالت ساخت ارگتیو را می‌توان حداقل دارای هفت ویژگی دانست؛ یعنی شکلی از شکل‌های ارگتیو که هفت ویژگی را دارد، هنوز دچار فروپاشی نشده و ویژگی‌های احتمالاً اصیل خود را حفظ کرده است و هرگاه هر کدام از ویژگی‌های خود را از دست بدهد، کم‌کم دچار فرسایش می‌شود و فروپاشی آغاز می‌گردد.

۵. رسوبات ارگتیو

هدف این بخش آن است که نشان دهد: چه مقدار از ویژگی‌های ذکر شده در بالا، در زبان‌های مورد نظر، باقی مانده و چه مقدار از بین رفته است؛ شکل از بین رفتن آنها چگونه است؛ و آنچه باقی مانده، به چه شکلی باقی مانده است. در زیر، مجموعه‌ی شکل‌ها و ویژگی‌های احتمالاً اصلی ارگتیو، که از بین رفته‌اند، همراه نمونه‌هایی ذکر می‌شوند:

۵-۱ عدم جابه‌جایی پی‌بست ضمیری و ثابت شدن جایگاه آن در کنار فعل

یکی از ویژگی‌های ارگتیو چرخش پی‌بست و رساندن خود به سازه‌های مختلف دستوری است. در حالی که در بعضی از گونه‌های تالشی، از جمله تالشی جنوبی، این چرخش از بین رفته است. به عنوان نمونه، در جمله زیر این ویژگی قابل رؤیت است (مثال‌ها از پورشفقی: ۱۳۸۵: ۱۰۵):

(19) mə-na vāt-əš-a.
1sg- to tell:Pst-Cl:3sg-1sg

(۱۹) به من گفت (تالشی جنوبی سیاهمزیگی).

(20) mə vind-əš-a
1Sg see: Pst-Cl:3sg-1sg

(۲۰) مرا دید (تالشی جنوبی سیاهمزیگی).

(21) palang ai egat-aše
panther:Erg 3sg capture:Pst-3sg

(۲۱) پلنگ او را گرفت (تالشی شمالی).

اگر این ساخت در جملات ۱۹ و ۲۰ درست رعایت می‌شد، احتمالاً باید چنین می‌شد:

(19a) *mə na-aš vat-a. (20a) *mə-š vind-a.

چنین حالتی در تالشی جنوبی شفت کاملاً مشهود است (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۴: ۱۱۶). خارج شدن پی‌بست‌ها از جایگاه دوم و رفتن آنها به سوی فعل در تاتی جنوبی مناطق اطراف قزوین نیز یافت می‌شود. راسخ مهند (۸:۱۳۸۶) در این زمینه نوشته است: «پی‌بست‌ها در نقش نشانه‌ی مفعولی در تاتی جنوبی از جایگاه واگرناگل خارج شده‌اند، ولی هنوز به جایگاه پس از فعل نرفته‌اند، و در جایگاه سازه قبل از فعل قرار می‌گیرند».

۵-۲ به کاربردن نابسامان ضمیر اول شخص مفرد

ضمایر شخصی در تاتی و تالشی دو حالت مختلف فاعلی و غیرفاعلی دارند. بارزترین شکل این ضمایر که برای هر شخص غیرمختص نیز قابل تشخیص است، دو شکل فاعلی و غیرفاعلی ضمیر اول شخص مفرد است؛ یعنی در حالت فاعلی az و در غیرفاعلی mə/ mən/ man است. وجود این ضمیر گاه به تنهایی دال بر وجود ساخت ارگتیو است. در تاتی، این دو شکل فاعلی و غیرفاعلی، در اغلب موارد، تمایز خود را حفظ کرده‌اند (رضایتی کیشه‌خاله، سبزیلیپور، ۱۳۸۶: ۹۲)، اما در مواردی فروپاشی‌هایی به شرح زیر رخ داده است:

۳-۵ از بین رفتن تمایز دو شکل فاعلی و غیرفاعلی

در مناطقی از تالشی جنوبی، از جمله نصیرمجله و شفت که در مجاورت نواحی گیلک‌نشین واقع‌اند، کاملاً این تمایز از بین رفته است (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۴: ۱۱۷). در گونه‌های تاتی، مثل کَهلی (kahali) این تمایز در حال از بین رفتن است؛ یعنی گاهی از ضمیر *âz* و گاهی از ضمیر *man* استفاده می‌شود:

(22) *âz* xurâk hârd-ame.
Isg food:Abs eat:Pst-Isg

(۲۲) من غذا خورده‌ام (تالشی شمالی).

(23) *âz* xanjil-i eku-ame.
Isg sword take out:Pst-Isg

(۲۳) من خنجر را بیرون کشیدم (تالشی شمالی).

(24) *az* kabutar-əm bəkušt.
Isg pigeon-Cl: Isg kill:Pst

(۲۴) من کبوتر را کشتم (تاتی کَهلی).

۴-۵ از بین رفتن ضمیر فاعلی *az* در ساخت ارگتیو

در اغلب گونه‌های تاتی و تالشی دو ضمیر *man* (غیرفاعلی) و *az* (فاعلی) هر دو کاربرد دارند، اما در ساخت ارگتیو، *man* برای هر دو شکل فاعلی و غیرفاعلی ظاهر می‌شود:

(25) *man* a bəvard.
Isg:Erg 3Sg:Abs take:Pst

(۲۵) من او را بردم (تاتی دروی).

(26) *avə* man bəvard.
3sg:Erg Isg take:Pst

(۲۶) او مرا برد (تاتی دروی).

(27) *ayi* mən vinda.
3sg:Erg Isg:Abs see:Pst

(۲۷) او مرا دید (تالشی مرکزی).

(28) *mən* a-m vinda.
Isg:Erg 3Sg-Cl: Isg see:Pst

(۲۸) من او را دیدم (تالشی مرکزی).

همچنان که در دو مثال اول تاتی و تالشی (۲۵، ۲۶) پیداست، در تاتی و تالشی، ضمیر *man* برای هر دو حالت فاعلی و غیرفاعلی به کار می‌رود، و اصلاً در ساخت ارگتیو از ضمیر *az* استفاده نمی‌شود.

۵-۴-۱ ساخته شدن شکل غیرفاعلی دیگری از ضمیر اول شخص مفرد در تالشی شمالی

در تالشی شمالی، این ضمیر شکل فاعلی خود (*âz*) را در ساخت ارگتیو از دست داده و به جای آن از *man* استفاده می‌شود، به جای *man* نیز به قیاس دیگر صیغه‌ها، از *man-i* استفاده می‌شود (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۴: ۱۲۰). علاوه بر آن، گاه *âz* به جای *man* به کار می‌رود، در حالی که چنین ساختی در کمتر گونه‌ای از گونه‌های تاتی و تالشی سابقه دارد. گرچه در اصل درست است، اما چون تالشی شمالی این‌همه دچار تغییرات شده است، بعید به نظر می‌رسد که این شکل همان ساخت اصلی باشد. به هر رو، قابل تأمل است:

(۲۹) خان مرا گسیل کرد (تالشی شمالی). *xân mən-i voqând-aše.*

thane 1sg send:Pst-Cl:3sg

۵-۴-۲ از بین رفتن تمایز حالت فاعلی و غیرفاعلی اسم‌ها

در تالشی شمالی و نیز تالشی جنوبی مواردی یافت می‌شود که اسم‌ها دو حالت فاعلی و غیرفاعلی خود را در ساخت ارگتیو از دست داده‌اند (مثال از رضایتی کیشه‌خاله ۱۳۸۴: ۱۱۸):

(۳۰) *palang yara ža-še.*

panther:Erg Wound beat:Pst-Cl:3sg

(۳۰) پلنگ زخمی کرد (تالشی شمالی).

(۳۱) *hasan gusann-e vinn-aša.*

hasan: Erg sheep-Acc see:Pst-Cl:3sg

(۳۱) حسن گوسفندها را دید (تالشی جنوبی نصیرمحلّه و شفت).

در مثال ۳۰، پلنگ می‌بایستی، حالت غیرفاعلی و در مثال‌های ۳۱ و ۳۲، گوسفند نیز می‌بایستی حالت فاعلی می‌گرفت که نگرفته و برعکس شده است.

در تالشی شمالی و جنوبی، صورتی از ارگتیو دیده می‌شود که هم فاعل و هم مفعول بدون اینکه با ضمائر ارگتیو همراه باشند، در حالت غیرفاعلی به کار رفته‌اند:

(۳۲) *čama nemek-i hârda muz-i.*

our salt-Acc eat:Pst fly:Erg

(۳۲) مگس نمک ما را خورد (تالشی شمالی).

(۳۳) *hasan-e gusandun-e vinn-a.*

Hasan-Erg sheep-Acc see:Pst-3sg

(۳۳) حسن گوسفندان را دید (تالشی جنوبی).

۵-۵ از بین رفتن جنس دستوری فعل در ساخت ارگتیو

جنس، شخص و شمار فعل را در ساخت ارگتیو، مفعول مشخص می‌کند. در تالشی، قاعده تبعیت فعل از مفعول در شخص و شمار حفظ شده است، ولی از نظر جنس دستوری دیگر فعل با مفعول هماهنگی ندارد.

اگر چنین قاعده‌ای در زبان تاتی و دیگر زبان‌های ایرانی دارای ساخت ارگتیو وجود نداشت، می‌توان پذیرفت که در تالشی نیز از آغاز چنین قاعده‌ای وجود نداشته است، ولی احتمالاً این ویژگی را نیز باید جزء ویژگی‌هایی دانست که از بین رفته است.

۶-۵ از بین رفتن تطابق فعل با مفعول در شمار و شخص

در بسیاری از گونه‌های تاتی و تالشی، فعل ماضی متعدی با مفعول خود از نظر شمار و شخص دیگر تطابق ندارد، در حالی که، همچنانکه گذشت، در تعدادی از گونه‌های تاتی هنوز شکلی از ارگتیو که در آن فعل از نظر شخص و شمار با مفعول مطابقت دارد، حفظ شده است. در جملات زیر، این نوع فرسایش قابل مشاهده است:

(34) man avân bind.
1sg:Erg 3pl see:Pst

(۳۴) من آنها را دیدم (تاتی دروی).

جملهٔ ۳۴ احتمالاً باید در اصل باید چنین می‌شد: *man avân bind-imân.

(35) tə ama vind-a.
2sg:Erg 1p:Abs l see:Pst

(۳۵) تو ما را دیدی (تالشی جنوبی).

جملهٔ ۳۵ نیز احتمالاً در اصل باید چنین می‌شد: *tə ama vind-amuna.

(36) ayi ayeš vind-ina.
3pl:Erg 1sg:Abs see:Pst

(۳۶) آنها او را دیدند (تالشی مرکزی).

در مثال ۳۶ -ina شناسهٔ سوم شخص جمع تالشی است که چون مفعول جمع است. فعل هم جمع آمده، گرچه فاعل مفرد است. ظاهراً در اصل باید چنین می‌شد: *ayi ayeš vind-ina. یعنی در جملهٔ بالا، گرچه تطابق ظاهری حفظ شده است، اما به‌جای ضمائر متصل غیرفاعلی، از شناسهٔ فعل‌های لازم در ساخت ارگتیو استفاده شده است.

۷-۵ ظاهر شدن ارگتیو به شکل مرکب ضمیری

همچنان که گذشت، یکی از ویژگی‌های ساخت ارگتیو، ظاهر شدن فاعل فعل‌های متعدی ماضی به شکل غیرفاعلی و مفعول آن به شکل فاعلی است. در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی این ویژگی همانند فارسی، حفظ شده است. در

دستور زبان فارسی به این شکل از ارگتیو، «فعل مرکب ضمیری» می‌گویند (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۳ و راسخ مهند، ۱۳۸۶). علت نامگذاری این فعل‌ها به این نام، حضور مداوم و پیوسته یک ضمیر در آنهاست. این ضمیر همچنان که در زبان فارسی شکل غیرفاعلی دارد، در بعضی از گویش‌های ایرانی نیز شکل غیرفاعلی خود را حفظ کرده است. در زبان‌های مورد بررسی، این حالت بسیار به چشم می‌خورد:

(37) sard-əʃ bəgən-əs.
cold-Cl_t encounter-pst-3sg

(۳۷) او سرما خورد/ سردش شد (تاتی دروی).

(38) vir-ərân nâ ?
remember-2pl:Cl_t not come

(۳۸) یادتان نمی‌آید (تاتی لردی)؟

(39) hasan-i teši-ya.
Hasan-Abs thirsty-is

(۳۹) حسن را تشنه است (تالشی مرکزی).

(40) az xuš-əm â.
Isg happy-Isg come-Isg

(۴۰) من خوشم می‌آید (تالشی جنوبی).

(41) mə-râ xandə bəgit
Isg-for laughter took-3sg

(۴۱) مرا خنده گرفت / خنده‌ام گرفت (گیلکی شرقی).

(42) mə-râ yâd nâmo bi.
Isg-for remember come-3sg not

(۴۲) مرا یاد نیامده بود / یادم نیامده بود (گیلکی رشتی)

در ساخت‌های مرکب ضمیری زبان‌های ذکر شده، دو نکته قابل تأمل است:

الف) جایی که فاعل باید شکل فاعلی داشته باشد، از حالت غیرفاعلی اسم یا ضمیر استفاده شده است.

ب) این حالت از فعل‌های متعدی به لازم سرایت یافته است.

همچنان که درباره زبان فارسی نیز مطرح شده است، این ساخت‌ها و ساخت‌های شبیه به آن ادامه و بقایای ارگتیو هستند. کلباسی (۱۳۶۷: ۸۷-۸۶) این حالت را بازمانده ارگتیو در زبان فارسی می‌داند و دلیل‌شان این است که ضمیر متصل سوم شخص یا همان پی‌بست در نقش فاعل در ساخت‌هایی نظیر «گفتش، خوردش، کوش، ایناش»، می‌آید. یعنی ضمیر «ش» که در دستورهای فارسی به «ش فاعلی» معروف است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۳۳)، ضمیرمتصل غیرفاعلی است که با فعل‌های لازم می‌آید. رضایتی

کیشه‌خاله نیز این حالت را در گویش تالشی در مثال «*hasan-i teši-ya*» (حسن را تشنه است) حالت ارگتیو دانسته است.

۵-۸ استفاده از ضمیر ۛ- برای دوم شخص در گیلکی صومعه‌سرای و فومنی

در منطقه فومن و صومعه‌سرا، از ضمیری استفاده می‌شود که وجودش در گیلکی محل تأمل است؛ یعنی از شناسه دوم شخص مفرد ۛ(۷)-، یا شناسه «-ش» که قبلیش ممکن است یک واکه بیاید، استفاده می‌شود. این شناسه در مناطق تالش‌زبان و تات‌زبان بسیار یافت می‌شود، اما در گیلکی سایر مناطق، چنین شناسه‌ای کمتر وجود دارد. در شفت و فومن این شناسه رواج دارد، اما احتمالاً در حال از بین رفتن است، چون افراد سالخورده بیشتر آن را به کار می‌برند. در امثال و حکم گیلکی صومعه‌سرا، چنین نمونه‌هایی یافت می‌شود.

مثال‌های گیلکی صومعه‌سرا (از برادران نصیری، ۱۳۹۱):

(43) *imruz bidi-ۛ, fərda diya nəša.*
Today see-2sg tomorrow to see not

(۴۳) آنچه را که امروز دیدی، فردا نمی‌توان دید.

(44) *te-re uya xofti-ۛ,*
2sg-for there sleep-pst-Cl:2sg

(۴۴) برای خودت آنجا خوابیده‌ای!

در مثال‌های ۴۴ و ۴۵ برای دوم شخص مفرد ۛ- آمده است، در حالی که در گیلکی صومعه‌سرا (همچنان که در مثال زیر پیداست)، شناسه دوم شخص مفرد *i*- است. مانند:

(45) *nani tâ šəfte –bâzâr çəqəd rā-yə.*
don't know:2sg to šaft market how much way-is

(۴۵) نمی‌دانی تا بازارشفت چقدر راه است؟

(46) *sâyə dârə kun ništi-ۛ, sâyə re gərdəxi*
shadow tree under sit-2sg shadow for look:2sg

(۴۶) زیر سایه درخت نشست‌های، برای سایه می‌گردی؟

(47) *tu sir noxordi-ۛ, tə dəhan sirə bu nədəxə.*
2sg garlic not eat, your mouth garlic smell not give

(۴۷) تو سیر نخورده‌ای، دهانت بوی سیر نمی‌دهد.

(48) *tâ alân maš:d biši-ۛ?*

until now Mašhad went-Cl

(۴۸) تا الان مشهد رفته‌ای؟

جملهٔ ۴۹ را امروزه جوان‌ترها این گونه می‌گویند: *tâ alân maš:d bišeyi*.

چنان‌که معلوم است، این ضمیر فقط با فعل‌های لازم یا متعدی ماضی به کار می‌رود. و برای چنین پدیده‌ای، دو فرض می‌توان ارائه کرد:

۱- تحت تأثیر زبان تالشی مناطق اطراف صومعه‌سرا است؛

۲- در آغاز، در گیلکی ساخت ارگتیو وجود داشته است، لیکن بعدها از بین رفته و به دلیل عدم تمایز چنین ساختی خود به خود به ساخت فعل‌های لازم ماضی هم سرایت کرده است، اما هنوز به فعل‌های مضارع نرسیده است.

در افعال مضارع گیلکی، ضمیر دوم شخص *š*- ظاهر نمی‌شود:

(49) *âtəš bəbi tə-ra sujâni, âb bəbi tə-ra xəfa kuni.*

fire be 2sg-for burn:2sg, water be 2sg-for hang make:2sg

(۴۹) آتش باشی خودت را می‌سوزانی، آب باشی خودت راخفه می‌کنی.

(50) *i kələ âquz xâyi hamə xâçik.*

one part walnut want:2sg all peeled

(۵۰) یک کرت گردو می‌خواهی همه پوست گرفته.

در مورد نکتهٔ دوم، باید گفت که سرایت این افعال از متعدی به لازم نیز، نوعی دیگر از رسوبات ارگتیو در این زبان‌هاست.

۶. نتیجه‌گیری

براساس این تحقیق، نحوهٔ فروپاشی این ساختار را چنین می‌توان بیان کرد که پی‌بستها از جایگاه دوم یا جایگاه واگرناگل خارج شده‌اند، و به سوی فعل در حال حرکتند. تطابق فعل با مفعول در شمار و شخص و نیز تمایز حالت فاعلی و غیرفاعلی اسم‌ها در حال از بین رفتن است، ضمیر اول شخص مفرد *man/ az* در بسیاری از گونه‌ها نادرست به کار می‌رود؛ یعنی جایی که باید *az* باشد، شکل غیرفاعلی‌اش یعنی *man* استفاده می‌شود. شکل غیرفاعلی دیگری از ضمیر اول شخص مفرد ساخته شده است؛ یعنی در تالشی شمالی، علاوه‌بر اینکه این ضمیر شکل فاعلی خود (*âz*) را در ساخت ارگتیو از دست داده و به جای آن از *man* استفاده می‌شود، به جای *man* نیز به قیاس دیگر صیغه‌ها، از *man-i* استفاده می‌شود. گرچه در

گیلکی ساخت ارگتیو وجود ندارد، اما رسوباتی که از آن در این زبان باقی مانده است، نشان از آن دارد که گویا در گیلکی نیز ساخت ارگتیو وجود داشته و از بین رفته است.

منابع

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۲)، *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*، انتشارات معین، تهران.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۳)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، انتشارات سمت، تهران.
- اُرانسکی، یوسیف م. (۱۳۷۹)، *زبان‌های ایرانی*، ترجمه علی‌اشرف صادقی، سخن، تهران.
- لُکوک، پیر (۱۳۸۳)، *راهنمای زبان‌های ایرانی (۲جلد)*، ترجمه فارسی زیرنظر حسن رضایی باغبیدی، ققنوس، تهران.
- برادران نصیری، مژگان (۱۳۹۱)، *بررسی و تحلیل امثال و حکم گیلکی منطقه صومعه‌سرا*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- پورشفقی، مریم (۱۳۸۵)، *توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.
- دانش‌پژوه، فاطمه (۱۳۸۵)، *ساخت ارگتیو در زبان کردی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۶)، «توصیف افعال مرکب پی‌بستی در زبان فارسی و شیوه ضبط آنها در فرهنگ‌ها»، *مجله فرهنگ‌نویسی*، شماره ۱: ۲۳۶-۲۵۲.
- ----- «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی» *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ۱-۱۰.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۳)، «فعل‌های مرکب ضمیری»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ۱۳۸۳ شماره ۱۴۴: ۱۹۱-۲۰۵.
- ----- (۱۳۸۴)، «ارگتیو در گویش تالش»، *مجله زبان‌شناسی*، سال بیستم، شماره اول، بهار و تابستان: ۱۱۳-۱۲۶.
- رواقی، علی (۱۳۴۸) «ساختمانی از فعل ماضی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، فروردین شماره ۶۸، ۳۸۱-۳۹۳.
- رضایتی کیشه‌خاله و جهان‌دوست، سبزعلی‌پور (۱۳۷۶)، «ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، *فصلنامه ادب-پژوهی*، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان: ۱۱۳-۱۲۶.

- سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، انتشارات دانشگاه گیلان.
 - کلباسی، ایران (۱۳۶۷)، «ارگتیو در گویش‌ها و زبان‌های ایرانی، مجله زبان‌شناسی، سال ۵، شماره ۲، ۸۷-۷۰.
 - مدنی، رضا (۱۳۶۹)، «کتاب‌شناسی و بررسی واژه‌نامه‌ها، دستورنامه‌ها و نوشته‌های گیلکی و دیلمی و تالشی (از سده هشتم تا کنون)»، مجموعه مقالات گیلان‌شناسی، ج. ۲، به کوشش م. پ. جکتاجی، طاعتی، رشت.
 - یارشاطر، احسان (۱۳۳۶)، «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال پنجم شماره ۱ و ۲: ۴۶-۱۱.
- Bynon, Theodora (1996) *the Ergativity construction in Kurdish*, London.
 - Comrie, B. 1978, *Ergativity*. In W. Lehman (ed.), *Syntactic Typology*, Sussex: The Harvester press.
 - Dabir-Moghaddam, M. (2012), "linguistic Typology: An Iranian perspective", *Journal of Universal Language*, V.13, N. 31-70.
 - Dixon, R. M. W. (1994). *Ergativity*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Kent, R.G. 1953, *Old Persian Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven, American Oriental Society.
 - Tallerman, Maggie 1998, *Understanding Syntax*, London: Arnold publishing.
 - Yarshater, E. 1959, "The Dialect of Shahrood (Khalkhal)", *BSOAS*, XXII 22, 52-68.